

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: زنده یاد "انیس آزاد"
ویراستاری و ارسال: احمد پوپل
۰۷ جنوری ۲۰۲۴



زنده یاد "انیس آزاد"

قصه موج و ماهی

ماهی کوچکی،
از موج می پرسد
که ای موج!
ای سرت پُر شور و چشمت گرم
ورقص جلوه دریا
تنت همچون عیارانی
قرون برجا
چه بیباکی
چه زیبایی
کجا آخر سفر داری؟
چرا واپس نمی گردی؟
سری گشتاند موجی تند خو
با خنده کمرنگ
و ماهی را به آغوشش ربود تا دور های دور
به لبخندی به دل سرمست

بگفتش

که هان ای ماهی کوچک!

تو زیبایی

و قلبت همچو شبنم پاک

نمی دانی که این، ما را ره می مقصود می باشد

نمی دانی طبیعت پیش می راند

و ماهم پیش می رانیم

ره بازگشت با ما نیست

چه عیبی است بر گشتن

که هیچت گفته نتوانم

و باید رفت تا پایان دریا ها ...

زمانی من غباری بودم و کوچک

و آنگه قطره ای گشتم

ز آغوش بلند آسمانها

به روی دشت سوزان افتادم

آنگه،

زود دانستم که اینجا زندگی این سان

بس ننگ است

و باید رفت در بحری که سامانش

بسی دور است

و اینک راه ها دشوار و کم نور است

ولی با عزم تر باید ره مقصود پوئیدن

دگر چیزی نخواهد داشت

پاهایت ز راه رفتن

و آنگه من

با یاران همسفر گشتم

وبعد،

قطره ها با هم شدیم دریاچه ای کوچک

وبعد از روزگاری هر طرف دریاچه دیگر

به هم پیوست و با ما گشت و دریا شد

و اینک حال می بینی که موجیم و ره مقصود

می پوئیم،

و آنگه ماهی کوچک،

که گرم از عشق دریا بود

پی موجی گرفت و گفت:

آری،

تا بحر باید رفت

در اینجا زندگی یکسان بس ننگ است.

حوت ۱۳۵۶